

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال نوزدهم، شماره هفتم، مهر ۱۳۹۸، ۲۵۹-۲۷۲

بررسی رویکرد انتقادی سیسموندی بر اقتصاد سیاسی کلاسیک

نقد و بررسی کتاب اکونومی پولیتیک: آداب مملکت‌داری

محمد کمالی‌زاده*

چکیده

کتاب اکونومی پولیتیک که با نام ایرانی آداب مملکت‌داری ترجمه شده است برگرفته از اندیشه‌های سیسمون دوسیسموندی است که در کتابی با عنوان اصول جدید اقتصاد سیاسی یا درباره ثروت و روابط آن با جمعیت به چاپ رسیده است. او یکی از منتقدان اولیه مکتب کلاسیک اقتصاد سیاسی به‌شمار می‌رود. بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که دوسیسموندی به دلیل ضعف معلومات اقتصادی نتوانسته است نظریات و عقاید کاملی را درباب ایجاد و بسط امنیت اقتصادی و اجتماعی بیان دارد، مطالعات و آگاهی او از مسائل اقتصادی بسیار کم است و بیش‌تر نظریات او جنبه احساساتی و عاطفی دارد. از همین رو، انتشار چنین کتابی فقط به‌لحاظ آشنایی با نحوه ورود متون علمی اقتصادی به ایران و نیز شناخت سطح دانش اقتصادی ما در آن دوران می‌تواند واجد ارزش تاریخی باشد.

کلیدواژه‌ها: اکونومی پولیتیک، اقتصاد سیاسی، اقتصاد سیاسی کلاسیک، سیسمون دوسیسموندی.

* استادیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی
m_kamalizadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۵

۱. مقدمه

اصطلاح اقتصاد سیاسی را نخستین بار آنتوان دمون کترین در سال ۱۶۱۶ به کار برد. او با افزودن صفت سیاسی به اقتصاد آن را از مدیریت امور خانه به اداره امور جامعه و تنظیم جامعه کشاند (بار ۱۳۶۷: ۱۱).

آدام اسمیت اقتصاد سیاسی را شاخه‌ای از علم دولت‌مردان یا قانون‌گذاران با اهداف دوگانه ایجاد درآمد یا معاش فراوان برای مردم و رفع نیاز دولت یا جامعه از طریق ایجاد درآمد کافی برای خدمات عمومی معرفی می‌کند (Smith 1776: 11). هدف اقتصاد سیاسی ثروت‌مند کردن مردم و حاکم است. اسمیت پیش‌نهاد کرد که عامل اصلی و مهم در درک توسعه جامعه انسانی در شناسایی شیوه معیشتی مسلط هر دوره نهفته است. تحلیل اسمیت از سرمایه‌داری صنعتی اولیه او را به این نتیجه رساند که تجارت اوج قله تمدن اقتصادی است و آزادی برای رشد تجارت اهمیت بنیادی دارد. از نظر اسمیت، گرایش طبیعی انسان به معامله کار با کالا، کالا با کالا، و مبادله یک چیز برای چیز دیگر به ایجاد کامل‌ترین کار اقتصادی یعنی بازار خودسامان منجر خواهد شد که هم‌زمان منافع شخصی و نیازهای جامعه را برآورده می‌کند. منافع تقسیم کار، یعنی منبع راستین پیشرفت اجتماعی و رفاه فردی، فقط با دامنه یا اندازه بازار محدود می‌شد و همین باعث شد تا اسمیت تجارت آزاد را ترجیح دهد و حمایت از نقش اقتصادی دولت را رها کند (مکلین ۱۳۸۱: ۶۲۵).

در تعریفی دیگر، اقتصاد سیاسی نوعی نگرش ژرف‌اندیش است که در چهارچوب آن می‌توان مسائل اقتصادی - اجتماعی را به صورت بنیادی‌تر مورد توجه و تحلیل قرار داد (کاتوزیان ۱۳۷۴: ۱۸۴-۱۸۶). هم‌چنین می‌توان اقتصاد سیاسی را رابطه میان سیاست و اقتصاد با تأکید بر نقش قدرت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تعریف کرد (تودارو ۱۳۶۴: ۴۰).

اقتصاد سیاسی تاکنون مکاتب گوناگونی را به خود دیده است که نخستین آن‌ها به مکتب کلاسیک مشهور است. سیسموندی از جمله متقدان این مکتب بود که برخی از آرای وی در قالب کتاب *اقتصاد سیاسی* پولاتیک: *آداب مملکت‌داری* به فارسی ترجمه شده است.

۲. مکتب کلاسیک اقتصاد سیاسی

پایان دوران فئودالیسم و آغاز دوران مرکانتالیسم را می‌توان سرآغاز ایجاد نخستین مکاتب اقتصاد سیاسی دانست. از نظر اقتصاد سیاسی، یکی از این تحولات کناررفتن نظام فئودالیسم،

آغاز نوعی زندگی مدرن شهری، و فراهم شدن زمینه‌های نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. نوعی اندیشه ایستا بر صاحب نظران اولیه حاکم بود؛ به گونه‌ای که آن‌ها منشأ ثروت را صرفاً انباشت فلزات قیمتی (به‌ویژه طلا و نقره) می‌دانستند. به عبارت دیگر، گویی در نظر آن‌ها ثروت و سرمایه با پول مترادف بود. پی‌آمد مهم اقتصاد سیاسی سوداگرایان اولیه گسترش روحیه ملی‌گرایی (در مواردی به‌صورتی افراطی) و گسترش جنگ بین کشورها به سبب حفظ ثروت بیش‌تر است (شومپیتر ۱۳۷۵: ۴۵۱-۴۶۶)؛ این دوران را می‌توان سرآغاز اقتصاد سیاسی کلاسیک به‌شمار آورد. گسترش مطالبات شهروندان، کاهش حضور دولت در اقتصاد به‌همراه کارکرد مکانیسم بازار، تشویق روحیه فردگرایی، فراهم آمدن زمینه‌های نگرش اثبات‌گرایانه از علم، تأکید بر انگیزه نفع شخصی و هماهنگی آن با نفع جمعی، هماهنگی کارآیی و رقابت، سیطره اندیشه سفر تمام‌عیار، و موارد مشابه از دیگر خصوصیات اقتصاد سیاسی کلاسیک بود (Skinner 1979).

به اعتقاد این دسته از اقتصاددانان، جامعه خود را سازمان می‌دهد و براساس قوانین، برنامه‌ها، و شرایط محیط و بدون تأثیرپذیری از تصمیمات سیاسی دچار تحول و دگرگونی می‌شود. از نظر آن‌ها، حضور دولت در اقتصاد آزادی را محدود و تعادل بازار را مختل می‌کند و کارآیی آن را از بین می‌برد (Cpaoraso and Levines 1992: 32). از نظر متفکران این گروه نظیر آدام اسمیت، بازار به‌صورت خودکار کار می‌کند و دولت نباید در آن دخالت کند، زیرا تغییرات در جامعه خارج از کنترل دولت و برنامه‌های دولتی است (Vig 1993: 6). اصول عقیدتی اقتصاد سیاسی کلاسیک نفوذی مهم، هرچند غالباً شناخته‌نشده، بر علوم سیاسی مدرن اعمال می‌کند. تعیین فنی طبقه اجتماعی (براساس تقسیم کار) و هماهنگی منافع که گفته می‌شود میان طبقات وجود دارد اساس بسیاری از نظریات لیبرال و وفاق سیاست است. اغلب نویسندگان لیبرال امتیازات اقتصادی بازار را تقریباً بر همان اساسی که آدام اسمیت وضع کرد نشان می‌دهند. در اقتصاد سیاسی بین‌الملل سنت لیبرال برای توجیه استدلال‌ات ارائه‌شده جهت از میان بردن همه نوع حمایت‌گرایی در اقتصاد جهانی به‌شدت بر نظریات اسمیت و ریکاردو تکیه می‌کنند؛ به‌ویژه نظریه «مزیت نسبی» ریکاردو که می‌گوید توزیع صنعت میان ملل نباید با هزینه‌های مطلق تولید، بلکه با هزینه‌های نسبی تنظیم شود، در دیدگاه‌های لیبرال درباره توسعه و توسعه‌نیافتگی جایگاه محوری دارد (مک‌لین ۱۳۸۱: ۴۲۶). در ادامه این مکتب ظهور مکتب نئوکلاسیک را شاهدیم. این مکتب بر بیشینه‌کردن رضایت فردی و ایجاد شرایطی برای به‌حد اکثر رساندن رفاه عمومی تأکید می‌کند. از نظر آن‌ها، اقتصاد سیاسی به مطالعه محدودیت‌های بازار به‌مثابه نهادی برای

ارضای خواسته‌ها می‌پردازد. در این نوع اقتصاد اصل بر فعالیت بازار است و فقط هنگامی که بازار دیگر قادر نباشد با استفاده از منابع موجود افراد را به بالاترین سطح از رضایت برساند و امکان رقابت اقتصادی وجود نداشته باشد، دولت می‌تواند در امور اقتصادی دخالت کند (Cpaoraso and Levines 1992: 85).

۳. سیسموندی؛ منتقد مکتب کلاسیک

یکی از منتقدان اولیه که با نظری نافذ عقاید مکتب کلاسیک اقتصاد سیاسی را مورد انتقاد قرار داد لئونارد سیمون سیسموندی است. سیسموندی یک مورخ سوئسی است که نظریات اقتصادی خود را به وسیله مطالعات تاریخی طرح‌ریزی کرده است (ساوول ۱۳۳۳: ۱۰۰). او که در سال ۱۷۷۳ در شهر ژنو متولد شد مردی انسان‌دوست و نمونه بارز یک اقتصادشناس احساساتی به‌شمار می‌رفت. او برای آزادی سیاهان و بردگان و دفاع از حقوق مردم ایرلند و مهاجران آمریکایی به مبارزه برخاست. با حق رأی عمومی و اصول سوسیالیسم مخالف بود و به آزادی‌خواهی دل‌بستگی تام داشت. مهم‌ترین آثاری که از وی به‌جامانده عبارت‌اند از: *ثروت تجارتی، تاریخ جمهوری‌های ایتالیا، اصول جدید اقتصاد، بررسی درباره ملت‌های آزاد، بررسی درباره اقتصاد* (بدن ۱۳۴۰: ۱۸۶).

او در کتاب *اصول جدید اقتصاد* می‌نویسد: «اقرار می‌کنم بعد از این که از نظر خود، اصول را مشخص کردم و روشن ساختم که عدالت چیست و در کجاست، احساس می‌کنم آن قدرتی که بتواند وسیله اجرای آن اصول را بنمایاند در خود ندارم» (قدیری اصل ۱۳۶۸: ۱۲۸).

سیسموندی را یکی از مهم‌ترین منتقدان نظام سرمایه‌داری و از پیش‌تازان مارکس خوانده‌اند. ریشه‌های بحران در اقتصاد سرمایه‌داری از نظر سیسموندی به سه عامل مربوط بود:

۱. ماهیت سرمایه؛ ماهیت سرمایه در فرایند رقابت به‌سوی تولید پیش می‌رود و هر امری را که در مقابل تولید بایستد نابود می‌کند؛
۲. تعیین تولید توسط سرمایه؛ این سرمایه است که تولید را تعیین می‌کند، نه خواست شهروندان؛
۳. جدایی نیروی کار از مالکیت؛ که باعث بالارفتن درآمد سرمایه‌دار به قیمت کاهش منافع کارگر می‌شود (دادگر ۱۳۸۳).

مهم‌ترین دیدگاه‌های اقتصادی سیسموندی را نیز می‌توان در چند بند زیر خلاصه کرد:

۱. حمایت از طبقات متوسط: سیسموندی هوادار جدی بسط و توسعه طبقات متوسط بود و عقیده داشت که برای جلوگیری از تشکیل سرمایه‌های بزرگ و تمرکز ثروت باید مالیات تصاعدی و تساوی کامل در حق الارث را برقرار ساخت. به نظر او، رونق کشاورزی یکی از عوامل بسیار مؤثر بقا و تقویت طبقات متوسط به شمار می‌رود، چراکه امکان تحقق تقسیم کار و استفاده از ماشین در امور فلاحی و زراعتی موجود نیست. روستایی نمونه کامل بارز یک فرد شرافتمند و میهن پرست هر کشور به شمار می‌رود، به زمین و کار خود دل بسته است، از افراط در تقسیم کار اجتناب می‌ورزد، و بی‌کاری در فعالیت او معنایی ندارد و فعالیت کشاورزی بهترین طریقه تأمین خوش‌بختی بی‌سروصدا و بی‌ماجرای افراد است، ولی نباید تصور کرد که منافع کار کشاورزی فقط جنبه فردی دارد. فرد روستایی بر اثر تماس با طبیعت تندرست، شاداب، و نیرومند است و بهترین سرباز برای میهن و دفاع از سرزمین خود به شمار می‌رود؛

۲. تضمین حقوق کارگران: سیسموندی به منظور تضمین حقوق حقه کارگران و جلوگیری از استثمار ناحق ایشان تدابیر گوناگونی پیش‌نهاد کرد، که درحقیقت اثر جاویدان او محسوب می‌شود. این تدابیر عصاره و اساس قوانین اجتماعی زمان ما را تشکیل می‌دهد. اهم این تدابیر عبارت‌اند از: تأیید و قبول حق تشکیل اتحادیه صنفی کارگری، ممنوعیت کار خردسالان، محدودیت ساعات کار، و پرداخت دست‌مزد در مدت بیماری و سالمندی، اما از نظر سیسموندی اتخاذ و اجرای این تدابیر وظیفه کارفرماست نه دولت؛

۳. مالکیت: سیسموندی مالکیت را یک حق طبیعی نمی‌دانست، بلکه نوعی انحصار مخلوق انسان می‌پنداشت که ممکن است دشواری‌ها و خطرهایی از آن ناشی شود. با این حال، نباید تصور شود که حق مالکیت باید معدوم و منسوخ شود. مالکیت بهترین وسیله برای ترغیب افراد بشر به کار و کوشش است. انسان ثروتمند لزوماً دشمن اجتماع بشری نیست، چراکه ثروت او می‌تواند عامل بهتریستن و رفاه افراد جامعه باشد. حق مالکیت تا جایی محترم است که مفید به حال جامعه باشد، نه مضر برای آن‌ها. همین امر وجود حق انتقال را به اولاد توجیه می‌کند (لویی ۱۳۴۰: ۸۷-۸۹)؛

۴. دولت؛ به نظر وی، با وجود این‌که تولید در فرایند اقتصاد آزاد بالا می‌رود، ولی به دلیل نبود تقاضای کافی رکود به وجود خواهد آمد و لازم است برای نجات جامعه از فقر و رکود دولت در اقتصاد دخالت کند (دادگر ۱۳۸۳: ۱۲۴). بنابراین، اولین دخالت دولت باید

در جهت محدود کردن زیاده‌روی‌ها در تولید و به منظور تصحیح جهت‌های نامطلوب آن باشد. او طرفدار مداخله دولت در امور بیمه‌های اجتماعی و وضع قوانین مربوط به زمان و شرایط و بیمه بی‌کاری، بیماری، و پیری بود؛

۵. صنایع بزرگ یا صنایع دستی؛ سیسموندی مخالف پیشرفت سریع صنعتی بود که کارخانجات بزرگ موجب آن شده‌اند و به ماشینیسیم، که باعث بی‌کاری کارگران می‌شود، روی خوش نشان نداد. توجه بیش‌تر او به صنایع دستی، کارگاه‌های کوچک و مستقل، و بهره‌برداری‌های کشاورزی بود که در امر تولید بین کارگر و تولیدکننده ایجاد وحدت می‌کند (قدیری اصل ۱۳۶۸: ۱۲۷)؛

۶. ثروت و رفاه؛ از نظر سیسموندی افزایش ثروت کل و تولید کل لزوماً منطبق بر رفاه و خوش‌بختی کل نیست، بلکه برعکس، حتی اگر ثروت کم درست توزیع شود، ترجیح دارد. بنابراین، دولت باید قوانین توزیع را تدوین و اجرا کند؛

۷. اقتصاد لسفری؛ اصطلاح لسفر یک اصطلاح فرانسوی (lassiez faire: let them do it) و به معنای «بگذار بگذرد» است. در اصل لسفر، بهترین دولت دولتی است که حداقل دخالت را در امور داراست. نیروهای بازار آزاد و رقابتی تولید، مبادله، و توزیع را هدایت و راه‌نمایی خواهند کرد. اقتصاد به گونه‌ای عمل می‌کند که به خودی‌خود خودش را اصلاح می‌کند و تمایل به سمت اشتغال کامل بدون دخالت دولت در آن وجود دارد. دخالت دولت فقط باید به اعمال حقوق مالکیت، تمهیدات دفاع ملی، و تعلیم و تربیت عمومی محدود شود. وی اقتصاد لسفری را اسلحه‌ای علیه کارگران فقیر تلقی می‌کرد، که در فرایند مذکور برای پیشرفت تکنیکی و گسترش مسئله رقابت ناچار بودند به حداقل دست‌مزد و محرومیت تن بدهند؛

۸. استثمار حق کارگر؛ سود کارفرما در بعضی از موارد جز غارت کارگران نیست. سودنبردن کارفرما نه به این دلیل است که کارگارش بیش از آن‌چه خرج کند تولید می‌کند، بلکه به این علت است که به کارگران مزد متناسب با کارشان پرداخت نمی‌شود (ژید و ریست ۱۳۴۷: ۲۸۹)؛

۹. رقابت؛ کوشش برای ارزان‌تمام کردن کالا کارفرما را وادار می‌کند، به جای استفاده از مردان بالغ، کودکان و زنان را اجیر کند تا هزینه‌هایش کاسته شود و توان رقابت داشته باشد و حتی برای آن‌که از کارگران حداکثر استفاده را ببرد آن‌ها را شبانه‌روز به کارهای سخت و جان‌فرسا وادار کند و به آن‌ها دست‌مزد ناچیز دهد. سیسموندی می‌پرسد، آیا رقابتی که از این شرایط حاصل می‌شود ارزشی دارد؟ (همان).

بررسی رویکرد انتقادی سیسموندی بر اقتصاد سیاسی کلاسیک ... ۲۶۵

ریشه‌های بحران در اقتصاد سرمایه‌داری از نظر سیسموندی به سه عامل مربوط بود:

۱. ماهیت سرمایه؛ ماهیت سرمایه در فرایند رقابت به‌سوی تولید پیش می‌رود و هر امری را که در مقابل تولید بایستد نابود می‌کند؛
 ۲. تعیین تولید توسط سرمایه؛ این سرمایه است که تولید را تعیین می‌کند، نه خواست شهروندان؛
 ۳. جدایی نیروی کار از مالکیت؛ که باعث بالارفتن درآمد سرمایه‌دار به قیمت کاهش منافع کارگر می‌شود (دادگر ۱۳۶۸: ۳۲۶).
- سیسموندی دربارهٔ تنزل نرخ بهرهٔ سرمایه همان اصول را به کار می‌برد که دربارهٔ توسعهٔ تولید ثروت یا دربارهٔ ماشین‌ها قائل است. می‌گوید:

افزایش سرمایه‌ها مطلوب نیست مگر به نسبتی که امکان سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن‌ها توسعه یافته باشد. هر زمان که بهرهٔ سرمایه تنزل می‌کند قرینهٔ مسلمی است که خاصیت آن به نسبت کمیت آن تنزل پیدا کرده است. این کاهش بهره که همواره به سود اختصاصی است همواره به زیان افراد دیگر هم هست، به زیان هم‌وطنانی که درآمدهای سرمایهٔ آن‌ها کم می‌شود یا به زیان خارجیانی که کار آن‌ها را تعطیل می‌نماید (اصول جدید اقتصاد: ج ۱، ۳۹۳).

سیسموندی در سال ۱۸۱۵ در کتاب *اقتصاد سیاسی* آورده است: سیاست یعنی ابزاراری که بیش‌ترین تعداد مردم به بیش‌ترین حد از رفاه و شادی، بدون دخالت، دست یابند. او معتقد بود که باید سیستم تقسیم محصول بین کشاورز و آریستوکرات / ملاک جای‌گزین نظام مرسوم در آن زمان شود. در آن زمان کشاورزان مجبور بودند سهم خود را به‌صورت نقدی، چه به سودشان باشد یا نباشد، به ملاکین آریستوکرات بپردازند. از نظر سیسموندی این نظام پرداخت موجب می‌شد که کشاورزان مقروض شوند و هم‌چنین از پول‌های اجاره‌ای برای پرداخت دیونشان استفاده کنند.

آنچه سیسموندی در آن زمان با آن مخالف بود کارگاه‌های تولیدی بود که در آن توده‌ها به کار مشغول بودند و به‌عبارت امروزی قدرت بازوی خود را می‌فروختند. درحقیقت سیسموندی مخالف افزایش توان‌گران بود، زیرا به‌عقیدهٔ او افزایش کالاهای تجملی و مصرف تجملات ناشی از آن فقط برای تعداد معدودی از نخبگان طبقهٔ پیشه‌ور و صنعت‌گر ایجاد اشتغال می‌کند (Kitching 1990: 25). به‌طور کلی، سیسموندی با زیرسؤال‌بردن ثروت‌مندان، امکانات آن‌ها، و ابزارهایی که از آن بهره می‌بردند به این موضوع

اشاره می‌کرد که فقیرترها از امکانات و فرصت‌های کم‌تری برای فعالیت اقتصادی برخوردارند و عدالت به نفع ثروت‌مندان است.

سیسموندی این شک و تردید را به خود راه نمی‌دهد که تضییق تولید ثروت، به بهانه اجتناب از مسائل آنی، ممکن است پیشرفت رفاه و آسایش همان طبقات را که موردعلاقه او هستند متوقف سازد. وضع معارضه او قابل توجیه نیست، مگر به سبب اعتقاد اشتباه‌آمیز او که از هم‌اکنون در اروپا تولید برای ارضای همه حوائج کافی است (اصول جدید اقتصاد: ج ۲، ۴۱۵، ۴۳۵). سیسموندی هیچ‌وقت گمانی درباره فقر نسبی کشورهای صنعتی ندارد و حال آن‌که این وضع ژان باتیست سی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد. به علاوه، او به خوبی متوجه است که سیاست دولت‌ها در این زمینه به آسانی قابل تغییر نیست و به همین جهت امید اصلاحات خود را در زمینه‌های دیگر قرار می‌دهد (همان: ج ۱، ۳۶۳).

چون مطمئن نبودن درآمد برای طبقات کارگر و محروم بودن آن‌ها از مالکیت علل اصلی مفاسد کنونی است، بنابراین تمام مساعی حکومت را باید متوجه این سمت کرد.

نخستین هدف باید این باشد در هر جا که ممکن است اتحاد مجدد بین کار و مالکیت برقرار شود. برای رسیدن به این هدف در کشاورزی، سیسموندی به اصطلاح خویش برگشت به اصل مالکیت پدرشاهی یا به عبارت دیگر مالکیت دهقانی را پیش نهاد می‌کند. توصیفی که وی در کتاب اصول جدید خود از سعادت‌مندی دهقانان مالک کرده است معروف است. در صنعت هم آرزومند است که پیشه‌وران مستقل دوباره ظاهر شوند:

من دوست دارم که کارهای صنایع در شهرها و کارهای کشاورزی در روستاها بین عده کثیری از کارگاه‌های مستقل تقسیم شود و نه در زیر دست کارفرمایانی معدود، که هر یک بر صدها و هزاران نفر کارگر فرمان‌روایی کنند؛ من دوست دارم که مالکیت کارخانه‌ها بین عده زیادی از سرمایه‌داران متوسط تقسیم گردد و نه در دست شخصی واحد که صاحب میلیون‌ها ثروت باشد؛ من دوست دارم که کارگر صنعتی همواره امید و بلکه یقین داشته باشد که می‌تواند روزی شریک کارفرمای خود بشود تا قبل از آن‌که سهمی در تجارت بیابد تأهل اختیار نکند، و نه آن‌که مانند امروز پیر شود و امید و انتظار هیچ ترفیعی نداشته باشد (همان: ج ۲، ۳۶۵-۳۶۶).

در انتظار روزی که اتحاد مالکیت و کار برقرار شود، سیسموندی فعلاً و از هم‌اکنون چند اصلاح ساده‌تر و عملی‌تر برای علاج حادث‌ترین مسائل و آلام طبقه کارگر پیش نهاد می‌کند. نخست می‌خواهد که حق اتحاد و تشکیل اتحاد به کارگران داده شود (همان: ۴۵۱). سپس

بررسی رویکرد انتقادی سیسموندی بر اقتصاد سیاسی کلاسیک ... ۲۶۷

تقاضا دارد کار کودکان در کارخانه‌ها و کار روزهای یک‌شنبه ممنوع شود و برای کارگران بالغ حداکثر ساعات کار در روز معین شود (همان: ۳۲۷). بالاخره چنان‌که خود او می‌نامد، می‌خواهد که «تضمین شغلی» به کارگران داده شود، یعنی کارفرمایان (اعم از کشاورزی و صنعتی) ملکف شوند که کارگران را به خرج خویش در زمان بیماری و بی‌کاری و پیری نگاه‌داری کنند. می‌گوید اگر این اصل موردقبول واقع می‌شد، کارفرمایان دیگر نفعی برای پایین‌آوردن نامحدود مزد یا داخل کردن ماشین در کارگاه یا افزایش بی‌مورد محصولات نداشتند، زیرا وقتی کارفرما مسئول سرنوشت کارگران خود باشد تأثیر هر نوع تغییر و ابداع و نوسازی را در وضع رفاه آنان در نظر خواهد گرفت و مانند امروز فقط در فکر تأمین منافع شخصی خود نخواهد بود (همان: ۳۶۱). ممکن است این پیش‌نهاد سیسموندی را بیان پیش از وقت کمال مطلوبی دانست که قوانین بزرگ بیمه‌های اجتماعی کشورهای اروپا در پنجاه سال اخیر برقرار کرده‌اند. اگر هم چنین تصویری جایز باشد، فقط قسمتی از آن صحیح است، زیرا به‌نظر سیسموندی تأمین این وظیفه بایستی برعهده کارفرما باشد و نه جامعه. چنان‌که ایراد او به قوانین خیریه و کمک‌های اجتماعی انگلستان و مخصوصاً به قانون معروف گدایان از این جهت است که وظایف امدادی کارفرمایان را برعهده گرفته و بدین وسیله موجب تشجیع کارفرمایان در بی‌اعتنایی به وضع کارگران و تنزل دست‌مزدها شده‌اند.

به‌طور خلاصه، در پیش‌نهادهای اصلاحی سیسموندی مانند اعتقادات او از اقتصادشناسان حالت تردید و دودلی و بی‌تصمیمی نمایان است و این خود ناشی از کشمکش دائمی عقل و احساس اوست. او بسی عاقل‌تر از آن است که ثمرات و برکات نظام جدید صنعتی را درک نکند، بسی حساس‌تر از آن‌که از بعضی نتایج دردناک آن متأثر نشود، و بسی محافظه‌کارتر و دوراندیش‌تر از آن‌که طالب انقلاب و زیرورشدن اساس جامعه باشد. از ناتوانی بشر در برابر زشتی و بدی حیرت‌زده و غمگین است، ولی در خود توانایی آن را نمی‌بیند که چاره درد را کشف کند و این حقیقت را با فروتنی و بیانی ساده و مؤثر اقرار می‌کند:

من اقرار می‌کنم پس از آن‌که به عقیده خود معلوم کردم که اصل چیست و عدالت کجاست در خود این نیرو را نمی‌بینم که وسایل اجرای آن را معلوم کنم. توزیع ثمرات کار بین کسانی که در تولید همکاری دارند به‌نظر من معیوب و فاسد است، ولی شاید مافوق قدرت بشری باشد که بتواند نظام مالکیتی به‌کلی متفاوت با آن‌چه تجربه نشان داده است تصور کند (همان: ۳۶۴).

۴. بررسی کتاب *اکنونومی پولیتیک: آداب مملکت‌داری*

کتاب *اکنونومی پولیتیک* که با نام ایرانی *آداب مملکت‌داری* ترجمه شده است برگرفته از اندیشه‌های سیسمون دوسیسموندی است که در کتابی با عنوان *اصول جدید اقتصاد سیاسی* یا *درباره ثروت و روابط آن با جمعیت* به چاپ رسیده است. این کتاب از جمله اولین فعالیت‌های دارالترجمه وزارت انطباعات دوره ناصرالدین شاه است. یگانه نسخه باقی مانده و البته ناقص از این کتاب در کتابخانه ملی وجود دارد که سیدعبدالله انوار آن را تصحیح و ثبت کرده است. ناصر پاکدامن در بهار ۱۳۵۹ این کتاب را با مقدمه جدید تنظیم کرده است و نشر نی آن را در ۱۱۰۰ نسخه، ولی با فاصله ۲۶ سال، در بهار ۱۳۸۶ منتشر کرده است. مصحح این کتاب، سیدعبدالله انوار، در معرفی این کتاب می‌گوید که این کتاب از نخستین کتاب‌ها درباره مسائل اقتصادی است که به زبان فارسی نوشته شده، ولی مترجم آن را با تدبیر منزل و سیاست مدن تطبیق داده است.

مترجم این کتاب ژول ریشار فرانسوی است که در زمان محمدشاه به ایران آمد و پس از مدتی اقامت مسلمان شد و نام خود را به رضا تغییر داد. او بعداً به موسیو ریشار و میرزا رضاخان و رضا ریشار معروف شد. ورود و ترجمه این کتاب را می‌توان نتیجه مساعی صدراعظم او یعنی حاج میرزا آقاسی دانست که به دانش و فرهنگ غربی علاقه وافر داشت. هرگاه سفیری از ایران به فرانسه فرستاده می‌شد، میرزا آقاسی فهرستی از کتاب‌های علمی و فنی را به منظور ترجمه به فارسی به او می‌داد و می‌خواست که سفیر آن‌ها را تهیه کند و به ایران بفرستد. در فهرست میرزا آقاسی دو دانش‌نامه، چند واژه‌نامه زبانی و موضوعی، آثاری از پاسکال و دکارت و سیسموندی، کتاب‌هایی در باب علوم طبیعی و فیزیک و شیمی، علوم عملی نظیر ذوب فلزات، کشتی‌سازی، نقشه‌برداری، جغرافیا، و نیز در زمینه تاریخ و خاطرات و حوزه‌های دیگر دیده شده است (ناطق ۱۹۸۸: ۱۰۷). رضا ریشار علاوه بر این، کتاب *تاریخ ناپلئون* را نیز به دستور محمدشاه از فرانسوی به فارسی ترجمه کرد. او علاوه بر این به تدوین فرهنگ فرانسوی به فارسی و تدریس زبان فرانسوی در دارالفنون پرداخت. او بعد از محمدشاه مترجم ناصرالدین‌شاه شد و در سفر او به انگلستان جزو هم‌راهان بود.

کتاب *اکنونومی پولیتیک: آداب مملکت‌داری* در سه باب به دست رضا ریشار و محمدحسن شیرازی ترجمه شده است: «باب اول: مخصوص است به اصول و قواعدی که منشأ و مبدأ سیاست مدن است و بیان این که این علم از کجا گرفته شده؛ باب دوم: در این که ثروت از چه پیدا می‌شود و به چه ترقی می‌نماید؛ باب سوم: در غنای ارضی».

۵. نقد شکلی کتاب

نخستین اشکال عمده این کتاب به عنوان فارسی آن برمی گردد. به نظر می رسد به دلیل ناآشنایی مترجمان با مفهوم اکونومی و واردنشدن علم اقتصاد به ایران کتاب با عنوان نامناسب و بی ربط آداب مملکت داری ترجمه شده است. بدفهمی عنوان و موضوع کتاب به ترجمه متن نیز سرایت کرده است؛ به گونه ای که مترجمان سعی وافر داشته اند تا ترجمه این متن اقتصادی را به هر نحوی به آداب و رسوم کشورداری مرتبط کنند. معادل های به کاررفته، نحوه ویرایش، و توضیحات مترجمان همگی گواه بر این است که موضوع این کتاب بر آن ها نامکشوف بوده است. مطمئناً هنگامی که موضوع کتاب هیچ تناسبی با علوم و آگاهی های موجود در ایران آن روز نداشته باشد، نه تنها در ترجمه و فهم کتاب اثر می گذارد، بلکه در جایگاهی که در زمانه خود پیدا می کند نیز مؤثر خواهد بود؛ از همین رو می بینیم این کتاب هیچ مخاطبی در زمانه خود نمی یابد و مهجور و گم نام باقی می ماند؛ هرچند بودند پژوهش گرانی که در سال های بعد از این کتاب و محتوای آن، البته محتوای اقتصادی و نه آن چه مترجمان می پنداشتند، بهره بردند و در آرای شان از آن متأثر شدند. برای نمونه، تفکرات اقتصادی فردی نظیر کسروی را می توان تا حدود زیادی متأثر از سیسموندی دانست.

این کتاب به لحاظ نوع ترجمه اشکالات عدیده ای دارد که البته به اقتضای زمانه شاید قابل توجیه و اغماض باشد، اما به هر حال با توجه به زمانه کنونی می توان عمده این اشکالات را موارد زیر دانست:

۱. نبود درک صحیح موضوع و محتوای متن اصلی از سوی مترجمان؛
۲. معادل یابی های نامربوط و بعضاً نادرست برای مفاهیم تخصصی؛
۳. ویرایش ادبی افراطی برای یک متن تخصصی که بعضاً موجب تقلیل و تعمیم های ناروا شده و لحن علمی متن را خدشه دار کرده است؛
۴. ترجمه ناقص از متن اصلی که قسمت عمده ای از مطالب را مغفول گذاشته است.

۶. نقد محتوایی کتاب

علاوه بر ضعف های ترجمه این کتاب، درباره چرایی انتخاب این کتاب برای ترجمه و نیز ضعف محتوای علمی آن نیز می توان سخن گفت. فقدان آشنایی با محتوای اصلی کتاب موجب شده است تا کتابی برای ترجمه انتخاب و زحمت ترجمه آن کشیده شود که هم

به‌لحاظ محتوای علمی در مقایسه با معاصرانش غنای کافی ندارد و هم فاقد هر نوع تناسبی با اقتضائات و نیازهای علمی و سیاسی آن روز کشور ماست.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که دوسیسموندی به‌دلیل ضعف معلومات اقتصادی نتوانسته است نظریات و عقاید کاملی را درباب ایجاد و بسط امنیت اقتصادی و اجتماعی بیان دارد، مطالعات و آگاهی او از مسائل اقتصادی بسیار کم است و بیش‌تر نظریات او جنبه احساساتی و عاطفی دارد. اگر او بررسی و تحقیقات خود را بر اصول و مبانی منسجم و منظم استوار می‌کرد، شاید می‌توانست رویکرد و دیدگاهی متمایز به خود بیان سازد. دوسیسموندی چنان‌که می‌باید ترتیب جریان ثروت در جامعه را درک نکرده است. او با این‌که مسئله هم‌بستگی عوامل تولید و درآمدهای ناشی از آن را درک کرده بود، اما عقیده داشت که درآمد هر سال فروش محصول سال بعد را تأمین می‌کند. او این مسئله را فراموش کرده بود که با توسعه صنایع میزان تولید نیز افزایش می‌یابد، حال آن‌که قوه خرید مصرف‌کنندگان مربوط به سال قبل و کم‌تر از حد لازم برای جذب تولیدات صنعتی است. بنابراین، بحران و مشکلات اقتصادی موجب تشدید فقر و بی‌کاری در جامعه می‌شود. یکی از ویژگی‌های نظریات دوسیسموندی این است که وی با بیان مشکلات و مسائل اقتصادی جامعه راه‌کاری برای حل آن بیان می‌کند، اما این راه‌حل‌ها با واقعیات و مسائل جامعه مطابقت ندارد و با سطحی‌نگری و ظاهرینی به مشکلات اجتماع نگریسته است؛ از این‌رو تدابیر پیش‌نهادی او برای رفع مشکلات اقتصادی غیرمکفی است. او برای تأمین رفاه کارگران و حل مشکلات اقتصادی پیش‌نهاد می‌کند که از توسعه سریع صنایع و رشد فناوری جلوگیری و مانع رشد علوم و پیشرفت اختراعات شود، اما این تدبیر برای رفع مسائل اقتصادی نه‌تنها منطقی و عقلانی نیست، بلکه خود موجب بروز یک سری مشکلات اقتصادی و سختی حیات بشری می‌شود. درواقع توسعه صنایع و علوم و اختراعات برای ارتقای سطح اجتماعی و اقتصادی زندگی انسان است و نباید مانع پیشرفت و ترقی حیات بشری شد، بلکه باید با وضع قوانین مناسب و حمایت از طبقات محروم و فقیر اجتماع و توزیع عادلانه منابع ثروت در جامعه عدالت اجتماعی و اقتصادی را بسط داد و مشکلات قشرهای پایین جامعه را حل کرد.

۷. ارزیابی نهایی

لوئی بدن در جمع‌بندی دیدگاه‌های سیسموندی می‌گوید:

بررسی رویکرد انتقادی سیسموندی بر اقتصاد سیاسی کلاسیک ... ۲۷۱

سیسموندی اقتصاددان توانایی نبود. با وجود این، توجه صاحب نظران را به مسائل مهم جلب کرد. یکی از آن‌ها جنبه اخلاقی علم اقتصاد است. سیسموندی عقاید نظری کلاسیک‌ها را مورد انتقاد قرار داد و گفت: برقراری خودبه‌خودی تعادل اقتصادی (ولو آن‌که ممکن باشد) راه حلی برای درمان دردهای اجتماعی ناشی از عدم تعادل نیست. او اهمیت این نکته را دریافت و اظهار داشت که رهاکردن کارگران به‌حال خود و عدم توجه به دشواری کار و زندگی ایشان غیرممکن و موجب مخاطرات بسیار است.

صحیح است که ازدیاد صنایع ماشینی ابتدا سبب بی‌کاری ارباب حرف دستی شده و سپس با بسط و توسعه امکانات تولید تأمین اشتغال آن را میسر می‌گرداند، ولی بیان این اصل یک سیاست اجتماعی نیست. کارگران نمی‌توانند به امید یافتن کار گرسنه و تهی دست بنشینند و توجه به حال ایشان از اهم ضروریات اجتماعی است. مع ذلک حق با او بود؛ که می‌گفت شتاب در توسعه صنعتی ممکن است خطراتی داشته باشد و ترقی اقتصادی باید با تأمل و درایت انجام گیرد تا به نتایج مطلوب برسد.

باید گفت که سیسموندی یکی از پیش‌قدمان عقاید مارکس و فرقه او محسوب می‌شود که بسیاری از گفته‌های خود، من جمله دربارهٔ تمرکز سرمایه، انتقاد از بزرگ‌مالکی و واحدهای عظیم اقتصادی، تقسیم اجتماع به دو طبقه مخالف، و استثمار کارگران را از او اقتباس کردند (بدن ۱۳۴۰: ۹۰).

در مورد انتشار مجدد این کتاب در ایران باید گفت که از یک سو، با توجه به نبود فهم صحیح مترجمان از محتوای کتاب که روند ترجمه، انتخاب معادل‌های فارسی، و بالتبع درک مخاطب ایرانی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است و نیز بی‌اهمیتی دیدگاه‌های سیسموندی در عرصه اقتصاد سیاسی، انتقادات فراوانی بر دیدگاه‌های او وارد است و از سوی دیگر، باز نشر چنین کتابی نه به لحاظ علمی، بلکه صرفاً به‌منزله یادآوری و بازتولید یک اثر تاریخی توجیه‌پذیر است.

به لحاظ علمی، امروز دست‌رسی به آرای سیسموندی از طریق منابع اصلی و نیز ترجمه‌های دقیق‌تر فارسی به‌سهولت برای مخاطب ایرانی امکان‌پذیر است؛ از این رو باز نشر چنین آثاری کمک‌چندانی به ارتقای ادبیات علمی ما در این زمینه نخواهد کرد. هم‌چنین به لحاظ اهمیت آموزشی نیز چنین آثاری به دلیل فقدان دقت علمی و ترجمه‌ای فاقد ارزش قلمداد می‌شوند؛ اگرچه به لحاظ آشنایی با نحوه ورود متون علمی اقتصادی به ایران و نیز سطح دانش اقتصادی ما در آن دوران می‌توانند ارزش تاریخی داشته باشند.

کتاب‌نامه

- بار، ریمون (۱۳۶۷)، *اقتصاد سیاسی*، ترجمه منوچهر فرهنگ، ج ۱، تهران: سروش.
- بدن، لویی (۱۳۴۰)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه هوشنگ نهاوندی، تهران: چاپ‌خانه بهمن.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۴)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج ۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- جورج، ساول (۱۳۳۳)، *تاریخ بزرگ‌ترین علمای اقتصاد*، ترجمه حسین پیرنیا، تهران: ابن‌سینا.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۳)، *تاریخ تحولات اندیشه‌های اقتصادی*، قم: دانشگاه مفید.
- ژید، شارل و شارل ریست (۱۳۴۷)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجابی، تهران: چاپ‌خانه سینا.
- ساول، جورج (۱۳۳۳)، *تاریخ بزرگ‌ترین علمای اقتصاد*، ترجمه حسین پیرنیا، تهران: ابن‌سینا.
- شومپیتر، جوزف (۱۳۷۵)، *تاریخ تحلیل اقتصادی*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز.
- قدیری اصل، باقر (۱۳۶۸)، *سیر اندیشه‌های اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۴)، *ایدئولوژی و روش در اقتصاد*، ترجمه م. قائد، تهران: مرکز.
- نهاوندی، هوشنگ (۱۳۵۲)، *تاریخ مختصر عقاید اقتصادی*، تهران: دانشگاه تهران.
- یان، مک‌لین (۱۳۸۱)، *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی، تهران: مرکز.

- Cpaoraso, James A. and David Levines (1992), *Theories of Political Economoy*, Cambridge University Press.
- Kitching, Gavin (1990), *Development and Underdevelopment in Historical Perspective*, London: Routledge.
- Skinner, S. (1979), *Introduction to the Wealth of Nations*, Penguin.
- Smith, Adam (1776), *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, London: W. Strahan and T. Cadell.
- Vig, Norman J. (1993), *Political Science and Political Economy*, New York: N. Y. University Press.